

فرمود: حاضر، چه کنم؟

گفتم: آنان را دعوت می‌کنیم که هر هفته چند جلسه خدمت شما باشند.

شما هم مسائل فقهی دشواری را که در طول جلسات درس با آنها مواجه می‌شوید، در حضور آقایان مطرح می‌سازید تا مورد بحث قرار بگیرد. بدین وسیله هم آنها پرورش می‌یابند و تکمیل می‌شوند و هم شما از نظر آنها استفاده می‌نمائید. امام که در طول صحبت من، به زمین نگاه می‌کرد، سر برداشت و گفت:

«آقای امینی من از شما انتظار داشتم که به من بگویی: پیر شده‌ای و مرگ تو نزدیک شده، به فکر آخرت خود باش و بقیه عمرت را به غفلت و بطالت صرف نکن؛ اقا تو در عوض به من پیشنهاد جلسه استفتاء می‌دهی! آخر من که مرجع تقلید نیستم که جلسه استفتاء لازم داشته باشم!»

من از پیشنهاد خودم پشیمان شدم و عذر خواستم. و دهها نمونه دیگر از این قبیل به یاد دارم که مجال برای عرضه آنها نیست.

آیه‌الله بنی‌فضل

عليهم آلاف التحية والصلوة والسلام، بود.

از باب خالی نبودن عریضه عرض می‌شود.

رمز مرفقیّت حضرت امام، عمدتاً، درد و چیز

بود:

۱. اعتقاد راسخ به مبدأ و یقین به معاد و عقبات عالم آخرت و سؤال و جواب قبر و محشر. خلاصه این که حضرت امام، در تمام لحظات، خود را بنده خدا و در محضر ربّ می‌دانست.

۲. تصمیم جدی و قاطع و همت بلند. هر آنچه را که وظیفه و تکلیف شرعی تشخیص می‌داد، اقدام جدی می‌کرد ولو این که دنیا و من فیها، با ایشان مخالفت می‌کرد، از تصمیم خود منصرف نمی‌شد. به لومه الاثمین ذره‌ای اعتنا نمی‌کرد. حتی در دوران نهضت مقدّسش، از سال ۴۱ تا

حوزه: به نظر حضرت عالی رمز موفقیت

حضرت امام، رضوان الله تعالی علیه، چه

بود؟

با عرض سلام و ابراز ارادت از حُسن ظن متصدیان محترم مجله حوزه به این جانب که در آستانه دومیّن سالگرد حضرت امام، قدس سرّه الشریف، چند تا سؤال مطرح و با پاسخ به آنها در بيمودن راه امام راحل، طلب یاری نموده‌اند تشکر می‌کنم. البته امثال بنده عاجزتر از آن هستم که درباره فضائل اخلاقی و معنویات حضرت امام، سخن بگوئیم، یا چیزی بنویسیم؛ چرا که حضرت امام، تالی تلو حضرات معصومین،

۵۷، مدتی تک و تنها اعلامیه علیه طاغوت‌های زمان می داد. در رسیدن به اهداف مقدس، هرگز یأس را به خود راه نداد و همیشه دست اندرکاران را در پیشرفت و رسیدن به هدف توصیه می کرد که مایوس نباشند.

حوزه: حضرت امام، روی چه مسائلی بیشتر حساسیت داشت؟

* آنچه که اکنون به نظر می رسد، حضرت امام، در مسأله آمریکا و سلطه آن بر کشورهای اسلامی، بیشتر حساسیت داشت و فرمود: دشمن اصلی ما امریکاست و آن را شیطان بزرگ خواند. ارتباط ایران با آمریکا را ارتباط میش با گرگ تعبیر کرد. جای بسیار خوشوقتی است که موضع رهبر معظم انقلاب اسلامی، حضرت آیه الله خامنه ای، مدظله، در خصومت با امریکا، همان موضع قاطع امام است.

البته همه مستضعفین جهان، بخصوص امت مظلوم و ستمدیده و شهید و مفقود و جانباز و اسیر داده ایران (نه آنان که با ارز آزاد و انحاء تقلب و خیانت، سرمایه های نامشروعشان را چند ده برابر کرده و نسبت به وضع زندگی کمرشکن و طاقت فرسای افراد کم درآمد و شرمنده اهل و عیال بی اعتنا هستند) از ولی امر مسلمین انتظار همان موضع را داشتند. ما فرزندان انقلابی حضرت امام، رحمه الله علیه، در حوزه علمیه قم از رهبر محبوب انقلابمان خواهانیم: مقرر و تأکید فرمایند، همه دست اندرکاران نظام جمهوری

اسلامی، در سخنرانیها و در مصاحبه ها، مواضع خصمانه خودشان را با امریکا صریح و بدون لقیافه اعلام فرمایند؛ چرا که موجب دلگرمی امت حزب الله و یأس دشمنان خواهد بود. و از جمله مسائلی که حضرت امام، رحمه الله علیه، از روز اول نهضت مقدسش حساسیت داشت، مسأله اسرائیل و خطر آن بر مسلمین بود. آن بزرگوار، در غالب اعلامیه ها و سخنرانیهایش خطر آن را گوشزد می نمود و همیشه سعی می کرد، تا سران کشورهای عربی، علیه اسرائیل حرکت کنند و آخرین جمعه ماه رمضان را روز جهانی قدس اعلام و به راهپیمایی در آن روز، دستور صادر فرمود، تا در هر سال، اقلأ، یک بار قیام عمومی علیه اسرائیل انجام بگیرد.

عمده حساسیت آن حضرت، در حمایت و دفاع از اسلام بود؛ از این روی در اعدام سلمان رشدی ملعون، اصرار می ورزید. حب و بغض با اشخاص، در محور اسلام بود.

حوزه: اگر خاطره ای آموزنده برای طلاب از حضرت امام، به یاد دارید یا شنیده اید، بیان کنید.

به نظر بنده خاطره های آموزنده امام را باید از اصحاب ملازم با آن حضرت سراغ گرفت اما از باب این که سؤال شما بی پاسخ نماند، یکی - دو خاطره عرض می کنم:

۱. بنده حدود ۸ سال در درس خارج فقه و اصول ایشان حاضر شدم. همیشه سر ساعت معین

بودند. حدود ۸ سال قبل، فصل تابستان در آذربایجان بودم. حضرت امام راجع به یک مطلب مهمی که مربوط به آذربایجان بود، بنده را به حضورشان احضار فرمودند: پیش از شروع مطلب، خطاب به بنده فرمودند:

«از این که به شما زحمت دادم این جا آمدید، عذر می خواهم».

این فرمایش آن قدر در وجود بنده اثر گذاشت که گریه ام گرفت. در دلم گفتم: خداوند! این چه برخورد و تواضعی است، از این انسان با عظمت الهی. الحق وارث پیامبر است. در تواضعش این بس که احدی نتوانست بر او، در سلام، سبقت بگیرد. افسوس که از دست ما رفت و ما را یتیم گذاشت.

كان لاهل العلم خير والد

وبعدہ امست یتامی ولده

خداوند درجانش و درجات شهادتش را متعالی و ارواح مقدسه آنان را از ما خشنود و به همه ما نوفیق بندگی مرحمت فرماید، به حق محمد وآله الطاهرين.

در جلسه تدریس حاضر می شد. حتی آن ایام که در مسجد سلماسی قم تدریس می فرمود، بعضی از شاگردان پیش از درس حضرت امام، در جلسه درس دیگری حاضر می شدند، از این روی، گاهی چند دقیقه بعد از شروع درس امام، وارد جلسه می شدند. امام ناراحت می شد و گاهی تذکراتی می داد.

معروف است: خود حضرت امام، در دوران طلبگی، منظم و به موقع در جلسات درس اساتیدش حاضر می شده است. مرحوم آیه الله شاه آبادی (استاد اخلاق امام) در رابطه با نظم و حضور امام در جلسات درس گفته بود:

«روح الله واقعاً روح الله است. نشد یک روز ببینم که ایشان بعد از بسم الله در درس حاضر باشد. همیشه پیش از آن که بسم الله درس را بگویم حاضر بوده است».

پس لازم است. طلاب محترم سعی کنند سر وقت در جلسات درس و بحث حاضر باشند.

۲. خاطرۀ دیگری که دارم، راجع به نواضع ایشان است، حتی در برخورد با شاگردان و کسانی که از نظر موقعیت علمی و اجتماعی بسیار پایین

